



تاریخ بی بی خاتون خاندان نوح

تاریخچه امامه شوال ۱۳۹۵ هجری



طبع و نشر در کتبخانه کمالیہ طبع و نشر

M. ALIBRARY, A.M.U.



PE12791

[illegible][illegible]

ن يَضْرِبُ يَسْمَعُ يَكْرُمُ يَعْدُو

...الملك ...









نامید و هر چه است و در  
 مضاعف یعنی شایسته است و در  
 در حركات و سكنات و در حركات و سكنات  
 است مضاعف نامید و اگر مضاعف را  
 در حركات و سكنات و در حركات و سكنات  
 است مضاعف نامید و اگر مضاعف را  
 در حركات و سكنات و در حركات و سكنات  
 است مضاعف نامید و اگر مضاعف را

ما فعلت بحسب شغلي فاعلموا

مَا فَعِلَ مَا فَعَلُوا مَا فَعِلْتَ مَا فَعَلْتُمَا مَا فَعِلْتُمَا

فَعِلْ مَا فَعَلْتُ مَا فَعَلْتُمْ مَا فَعَلُوا مَا فَعَلْنَا مَا فَعَلْتَ مَا فَعَلْتِ مَا فَعَلْتُمَا مَا فَعَلْتُمْ

فصل انہیہ کہ گفتہ شد بحث نفی فعل ماضی بود چون اہی مضارع

یعنی یکی از علامات های مصلح در اول و در آخر و علامت مصلح چها

فان الف تاء ويا ونون مجموع وى اثنين باشد الف وصال

نمایند نفس متکلم راست تاب را می هشت کلام است از آن مذکور حاضر

سوال و جواب





فچه در دو حال و لام کلمه را بر حالت خود گذارتا مجهول گردد  
 سینه سینه در وقت فتح باشد و در وقت کس باشد واجب است

## بحث اثبات فعل مضارع مجهول

يُفْعَلُ يُفْعَلَانِ يُفْعَلُونَ تَفْعَلُ تَفْعَلَانِ يُفْعَلُ تَفْعَلَانِ  
 کرد پیش از آن که در زمان حال باشد و در زمان گذشته باشد و در زمان آینده باشد  
 تَفْعَلَانِ تَفْعَلُونَ تَفْعَلَيْنِ تَفْعَلَانِ تَفْعَلْنَ أَفْعَلُ أَفْعَلَانِ أَفْعَلُونَ أَفْعَلَيْنِ أَفْعَلَانِ أَفْعَلْنَ

فصل انهمه گفته شد بحث اثبات فعل مضارع مجهول در چون خوان

که نفی بلا بنا کنی لای نفی در اول و در آخر و لای در لفظ مضارع چرخ

نحوه چنانکه بود بهرین قی باشد لکن عمل در معنی کند یعنی مثبت یا منفی

## بحث نفی فعل مضارع معروف



وَأَحَدُكُمْ حَاضِرٌ وَوَصِيغَةُ هَآئِلٍ نَفْسٌ مُسَكَّمٌ وَدَهْمٌ لِمَحَلِّ نَوْنٍ

اعرابی را ساقط گردانند چهار ششمین و دو جمع مذکر غائب و

حاضر و کمی واحد نمونہ حاضر و در دو کلمہ معنی جمع نمونہ  
تفعلون ۱۲ تفعلین ۱۳

غائب حاضر هیچ عمل نخند و این مضاع را معنی مستقبل منفی گرداند

بحث نفی تاکیدین در مستقبل محرو

لَنْ يَفْعَلَ لِي فِعْلًا اِنْ يَفْعَلْ لِيَ فِعْلًا اِنْ تَفْعَلْ لِي فِعْلًا اِنْ تَفْعَلْ لِي فِعْلًا  
اَنْ دُونَ اَنْ دُونَ اَنْ دُونَ اَنْ دُونَ اَنْ دُونَ اَنْ دُونَ اَنْ دُونَ

[illegible]

فَأَفْعَلْ حَبِثَ عَلَى الْيَدَيْنِ فِي الْمَسِيرِ وَالْمَقْعَدِ

[illegible]

۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible][illegible]

۱۱  
 و احد ذكره  
 اعرابي را  
 حاضر و كمي  
 غائب حا  
 بحر  
 كن تفعل  
 كن تفعل  
 كن افعل











[illegible]



لام کسود اول و آخر و زیم کن اگر حرف نباشد و اگر باشد ساقط شود چنان

لَبِثُوعٌ وَلِيْعَمْرٍ لِيَحْشَ وَنُونٌ تَاكِيدٌ چنانچه در مضارع می آید و در امر نیز می آید

## بحث امر حاضر معروف

افْعَلْ افْعَلَا افْعَلُوا افْعَلِي افْعَلِي افْعَلْنَ

بکشد شامهم زنان بکشد شام دوم مرد بکشد شام زن بکشد شام زن بکشد شام زن

## بحث امر حاضر مجهول

لِيَفْعَلْ لِيَفْعَلَا لِيَفْعَلُوا لِيَفْعَلِي لِيَفْعَلِي لِيَفْعَلْنَ

## بحث امر غائب معروف

يَفْعَلْ يَفْعَلَا يَفْعَلُوا يَفْعَلِي يَفْعَلِي يَفْعَلْنَ

این امر حاضر معروف است  
لام کسود اول و آخر و زیم کن  
اگر حرف نباشد و اگر باشد ساقط  
شود چنانچه در مضارع می آید  
و در امر نیز می آید  
لَبِثُوعٌ وَلِيْعَمْرٍ لِيَحْشَ  
و نُونٌ تَاكِيدٌ چنانچه  
در مضارع می آید و در امر  
نیز می آید  
بحث امر حاضر مجهول  
لِيَفْعَلْ لِيَفْعَلَا لِيَفْعَلُوا  
لِيَفْعَلِي لِيَفْعَلِي لِيَفْعَلْنَ  
بحث امر غائب معروف  
يَفْعَلْ يَفْعَلَا يَفْعَلُوا  
يَفْعَلِي يَفْعَلِي يَفْعَلْنَ





لَا فَعْلَکَ حَتَّٰی غَرِبَ مَجْرُوْلَانِ نُوْمِیْہِ لِنَفْعِکَ

لِیَفْعَلَنَّ لِیَفْعَلَنَّ لِیَفْعَلَنَّ لِیَفْعَلَنَّ لِیَفْعَلَنَّ

لَا تَقْلُبْ كِتَابَكَ حَتَّىٰ تَخْرُجَ مِنْهُ خَيْرٌ مِّنْهُ لِيُفْعَلَ لِمَنْ يَشَاءُ

اَفْعَلْكَ اَفْعَلْكَ حَبِثًا مَرَضِيًّا بِرَأْيِ نَوَاحِشٍ مُّضِيَّةٍ

لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ حِجَابٌ أَمَّا خِلَافُكَ فَقَبِيحٌ

يَفْعَلْنَ يَفْعَلْنَ يَفْعَلْنَ لَا فَعَلْنَ لَا فَعَلْنَ لَا فَعَلْنَ

بحشامرغائب محبوبی بانو خفیه

لِيُفْعَلَ لِيُفْعَلَ لِيُفْعَلَ لِيُفْعَلَ لِيُفْعَلَ

[illegible]

۴۴

منه و من له  
منه و من له  
منه و من له

۵۰

نصف

مدرسه علمیه

مجلس

محصل انہیہ کہ گفتہ شد بحث ما بعد چون فرمایا کہ نفعی بنا کنی پس لای نہی

در ایش در آرو لای نمی در آخر فعل مضارع پنج محل حرم کنه مثل لم

اگر در آخر حرف علت نباشد و اگر باشد سابقه گرداند و نیست

محکم نون اعرابی را هم دور نماید و در محکم در نقطه مضاعف عین محکم

و نون تا کید چنانکه در فصل مضارع می آید هم بر این قیاس درج می آید

بحث نغمی حاضر معروف

لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ

بحثِ نفعی حاضر مجید







بحث اسم فاعل

فَاعِلٌ

کافران

دومردگان

فأما علي

فَاعِلٌ

۱۲ مرداد ۱۳۵۷

فانك

دورن ۱۲ گنبدگان

٦٤

فصل این همه که گفت شد بحث اسم فاعل بود چون

خواهی که اسم مفعول پناهی اسم مفعول ساخته می شود

از مضاعف مجهول پس علامت مضاعف را حذف کن

بعد از آن میسب مفتوح در اول او در آرد و عین کلمه را ضبط و

میان عین و لام و او مفعول و آر و لام کلمه اتوبت تا هم مفعول



74

بحشت اسم مقول

مفتوح

مردمان کرده شده گان

مفتوح

1000

مفتوح

مجلس

مفتوح

11/11/11

مسجد

۱۰۰

10

میں نے

الحمد لله الذي جعل في هذه النسخة ميزان الصرف ودر نہایت وضوح کمال تصحیح و تفسیری

سابقہ درمطبع شغلہ طور حا طبع در برشید و غرہ ماہ ذیحجہ ۱۲۴۹ ہجری قمریہ

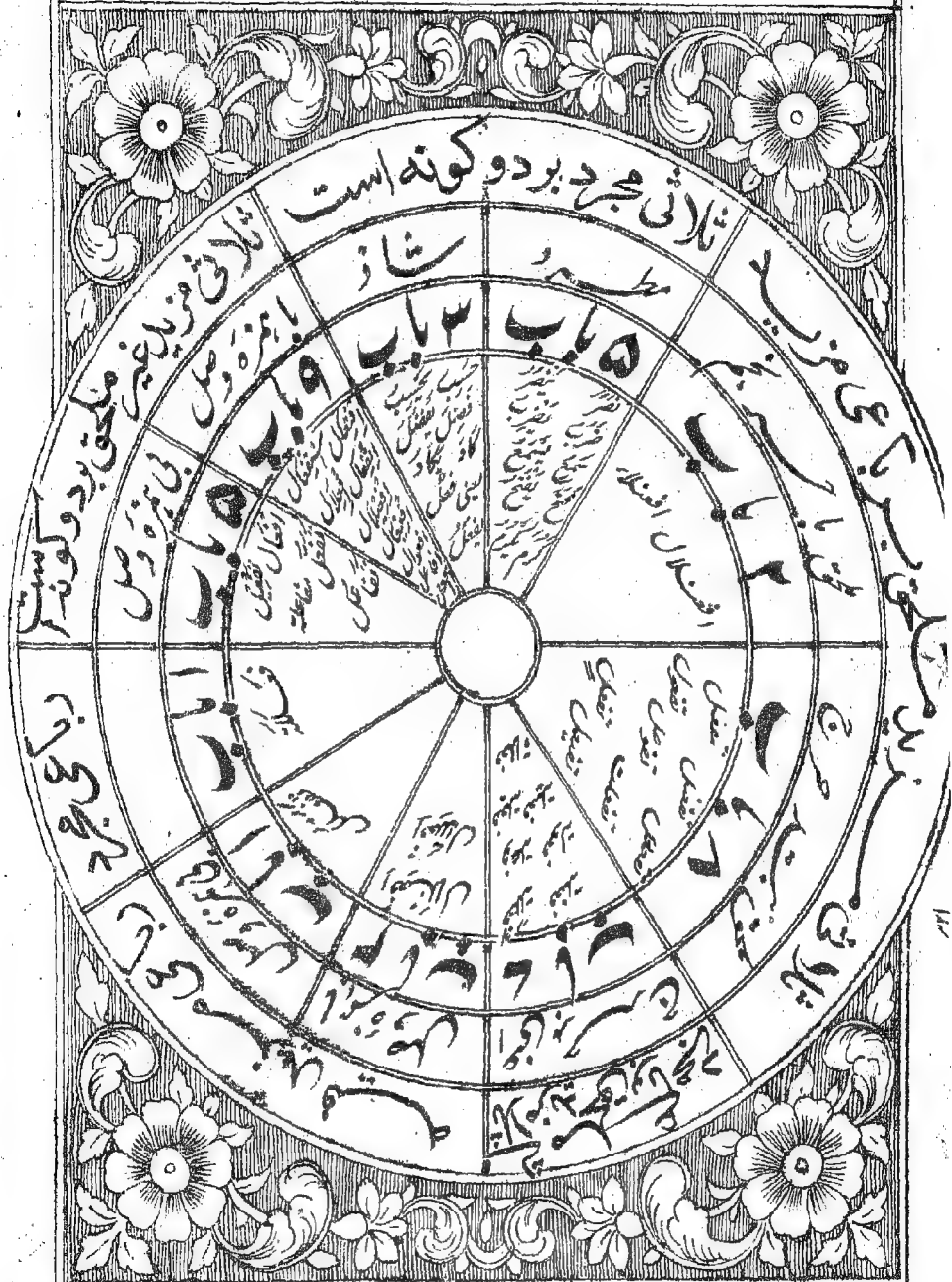
زینت شایان در چشم تماشا بیان جلوه اگر دیدی اینجا طلبه علوم محققان

بن شمار و را یاد دارد و فیض نامهای این مستفید و مستفیض نماید این ط

مجلس العلماء

[illegible]

# دائرہ چھک و سید ابواب منشعب



نسخہ منشعب و مکملہ شعلہ رکابین





ساجد علی بیگ  
مدرسہ دارالعلوم  
دارالسلام و سراج  
سنہ مساجد جمع  
سنہ طوفان یعنی جاہ  
و وقت قیامت شریفین  
ذکر جمیع مشائخ و مسجود  
آلایں شریفین و مساطفہ  
مسلمہ یعنی آلہ استاذ  
و اساتذہ کرام





[illegible]













باینکه قلنس در اصل قلنس بود یا محرک قبلش مفتوح آن یا را با الف بدل کرد و قلنس شد قلنس  
در اصل قلنس بود و ضمیه بر یاد شوار و شسته ساکن کرد و قلنس قلنس در اصل قلنس بود و ضمیه یا  
و شوار و شسته ساکن کرد و زلفای ساکنین شد میان یا و تخوین یا افاد قلنس شد و قلنس  
بر اصل خود است قلنس در اصل قلنس بود و ضمیه بر یا ثقیل بود ساکن کرد و یا الف گشت قلنس  
شد قلنس در اصل قلنس بود یا از جهت فتحه قبل با الف بدل کرد و زلفای ساکنین شد  
میان الف و تخوین الف افاد قلنس شد قلنس در اصل قلنس بود یا بعد از علت جزمی افاد  
قلنس شد لا قلنس در اصل لا قلنس بوده است اینجا نیز یا بعد از علت جزمی افاد لا قلنس شد  
اما نکته ملحق بر ابی منشعب باشند آن نیز بر دو گونه است یکی آنکه ملحق به مدحرج باشد دوم  
آنکه ملحق به مدحرجیم باشند اما آنکه ملحق به مدحرج باشد از اهرست باب است باب  
اول بر وزن تفضل زیاده التا قبل الفار و تکرار اللام چون التخلیب چادر پوشیدن  
تخصر لیه تخلیب تخلیب فهو تخلیب الامر منه تخلیب و الهی عنه لا تخلیب  
التعبر و گرد آلوده شدن و پس فی القرآن باب دوم بر وزن تفضل زیاده التا  
قبل الفار و النون بین العین و اللام چون التقلنس کلاه پوشیدن تخصر لیه تقلنس  
تقلنس فهو تقلنس الامر منه تقلنس و الهی عنه لا تقلنس و فی القرآن باب سوم  
بر وزن تفضل زیاده التا و الیم قبل الفار چون التسلک حالت خواری پیدا کردن حصه  
تسلک تسلک فهو تسلک الامر منه تسلک و الهی عنه لا تسلک التمسک التمسک التمسک  
بسن یقال تمسک الرجل اذا مسح سیه التمسک و علم ان هذا الباب شاذ و بل من یل

بجست کلماتی من مخرج بر ابی هادی

در کلامی که در تفسیر التخلیب  
مذکور است که در تفسیر التقلنس  
این باب نا در آورده بودند  
قبیل غلط است بر کلمات  
مجموع از مسنون است









